

کلمهٔ حیات

دورهٔ مکاتبه ای کتاب مقدس

عوامل مصلوب شدن

درس ۹

ممکن است این امر به نظر بعضی ها قابل درک نباشد که چگونه پیامبری مانند عیسی با آن قدرت الهی و تعلیمات بی نظیر می بایست با وضع فجیعی مصلوب شده و بمیرد. از آن گذشته در زمان قدیم به صلیب کشیدن نوعی اعدام مخصوص برای جنایتکاران بود. در واقع عدم درک این موضوع باعث شده است عدهٔ زیادی از مردم با شنیدن داستان زندگی عیسی به حقیقت آن پی نبرند و آن را رد کنند.

کتاب مقدس به ما می گوید که عیسی به این دنیا نیامد تا فقط مردمان را تعلیم داده و شفا دهد. مأموریت اصلی او این بود که درهای بخشش الهی را بر روی تمام انسانها باز کند و این کار می بایست با مرگ او بر روی صلیب انجام می شد.

پطرس که یکی از حواریون عیسی بود، وقتی پیش بینی عیسی را در مورد مرگش شنید بسیار آشفته و ناراحت شد ولی همین پطرس بعدها فهمید که این راه، راهی است که خدا از قبل معین فرموده. تمام این موارد در کتاب اشعیای نبی نیوت شده. در درس ۴ در این مورد صحبت شده است. این مسئله که یک سوم انجیل به چگونگی مرگ عیسی بر روی صلیب و قیام و صعود او به آسمان اختصاص داده شده تصادفی نمی باشد بلکه اهمیت این واقعه را یادآور می شود.

توطئه

در زمان عیسی بعضی از یهودیان سخنان عیسی را پذیرفتند و ایمان آوردند، اما دیگران با خشونت زیاد به مقابله با او پرداختند. اینها اکثراً رهبران مذهبی یهودیان بودند که پیام عیسی را تهدیدی جدی به منافع و قدرت خود می دیدند و به همین خاطر عیسی را قبل از عید فصح دستگیر کرده متهم به کفرگویی کردند. آنها او را به مقامات رومی تسلیم کردند و حتی به جرم عیسی اضافه کرده گفتند که او به امپراطور روم نیز توهین کرده است در صورتی که چنین نبود.

محکومیت، مرگ و صعود عیسی

پیلاتوس حاکم رومی، عیسی را با وجودی که بی گناه بود به مرگ محکوم کرد. عیسی را به صلیب کشیدند و پس از شش ساعت جان سپرد. ما می دانیم که در آن زمان بسیاری از مردم مصلوب می شدند، بنابراین اگر عیسی مانند بقیه مرده و در قبر می ماند و صعود نمی کرد ما می توانستیم ادعا کنیم که او مسیح موعود نبوده است در صورتی که عیسی در روز سوم مرگ خود از قبر برخاست و این در حالی بود که او سه روز در قبر قرار داشت و بعد از آن برای مدت چهل روز خود را به عده بسیاری ظاهر ساخت و در انظار شهود عینی به آسمان صعود کرد.

واقعیت امر

ادعای مسیحیت این است که "... بر طبق آیات کتابمقدس ، مسیح برای گناهان ما مرد." و اما تضاد در این است، یهودیان ادعای مسیح بودن عیسی را مردود می شمارند، آنان مرگ عیسی را بر روی صلیب انکار نمی کنند ولی قیام او را از مرگ باور ندارند.

از طرف دیگر، اسلام نیز پا را فراتر گذاشته و حتی مصلوب شدن عیسی را رد می کند. مسلمانان معتقدند که عیسی همان مسیح موعود است و به پیش گویی آمدن ثانویه او اعتقاد دارند.

فرقه احمدیه (یکی از شعبات اسلام) اعتقاد به مصلوب شدن مسیح دارد اما می گویند که او بر روی صلیب از حال رفته و غش کرده و در قبر به هوش آمده و تا سن ۱۲۰ سالگی در کشمیر زندگی می کرده.

اگر واقعاً هیچ فایده ای از مرگ عیسی نصیب بشر نمی شد و او به آن شکلی که در بالا گفته شد می مرد، می توان گفت خدا به یک عمل بیهوده و غیر منصفانه دست زده است. در صورتی که ما خوب می دانیم اینطور نیست. حقیقت امر این است که مرگ عیسی بر صلیب و صعود او از قبر به آسمان یک دلیل بسیار مهم دارد که می تواند مرگ عیسی را برای ما انسانها قابل درک نماید.

در درسهای قبلی ما به مسئله جدایی انسان از خدا و قطع رابطه بین خدا و انسان اشاره کردیم. به یاد دارید که در درس ۴ فصل ۵۳ کتاب اشعیای نبی را مطالعه کردیم. آیات ۴ تا ۶ از این فصل ، همراه با آیات موجود در عهد جدید به ما نشان می دهند که چرا عیسی مرد. او بخاطر گناهکار بودن نمرده، بلکه بخاطر گناهان من و شما مرد. او بار اعمال گناه آلود ما را بر خود حمل نمود.

او تنبیه ما را بر خود گرفت.

یک مبادله الهی بر روی صلیب انجام شد. تمام اعمال بد و گناهان ما از ما گرفته شد و بر دوش عیسی در بالای صلیب گذاشته شد و او با مرگ خود بهای گناهان ما را پرداخت کرد. مجدداً آیات ۴ تا ۶ فصل ۵۳ کتاب اشعای نبی را بخوانید و بخواهید تا خداوند حقیقت این آیات را به شما نشان دهد.

آیا می توانید ببینید که این اتفاق بر روی صلیب چطور بزرگترین مشکل بشر را که همانا دوری از خداست بر طرف می کند؟ راه حل این نبود که ما با اعمالمان سعی کنیم به خدا برسیم یا به عبارت دیگر سعی کنیم که میزان اعمال خوب ما بیشتر از اعمال بد ما باشد تا از این طریق به خدا برسیم. اما راه حل مشکل انسان این نیست عیسی تمام اعمال بد ما را از کفه ترازو برداشت و بر دوش خود نهاد. خدا عادل است و به همین علت اعمال بد ما می بایست مورد تنبیه قرار گیرد. هیچ عمل بدی نباید بدون تنبیه بماند زیرا که در غیر این صورت خدا قاضی عادل نخواهد بود. عیسی تمام اعمال بد ما را بر دوش خود گذاشت و تنبیهات ما را نیز خود قبول کرد. آن تنبیهی که عیسی متحمل آن شد یعنی مرگ بر روی صلیب در واقع می بایست نصیب ما می شد چون ما گناهکاریم و او بی گناه بود. حال می توانیم درک کنیم که چرا عیسی باید می مرد. مرگ عیسی در واقع نقشه خدا بود برای بشر که به آن وسیله مشکل انسان یکبار و برای همیشه از میان برداشته شود. مشکلی که انسان به تنهایی قادر به حل آن نبود " زیرا خدا آنقدر جهانیان را محبت کرد که فرزند یگانه خود را داد ... "

اگر ما صلیب را انکار کنیم، به آن معنی خواهد بود که عیسی شخص دروغگویی بیش نبوده است، کسی که مرگ خود را پیش بینی کرده و به پیروانش گفته بود که می بایست به اورشلیم برود و از ملایان یهود رنج و سختی ببیند و سپس کشته و بعد از سه روز مجدداً زنده شود. در جای دیگری گفته بود که او می بایست جان خود را به عنوان فدیة برای همه از دست بدهد.

تئوری جانشینی

بسیاری از مسلمانان معتقدند که مرگ یک پیامبر، خواری و خفت بزرگی است. بنابراین مرگ عیسی بر صلیب غیر قابل درک و تحمل است. با این حال، هم در قرآن و هم در کتاب مقدس ثبت شده است که یهودیان تعداد زیادی از انبیا را به قتل رسانده اند. بعضی از مسلمانان معتقدند شخص دیگری به جای عیسی مصلوب شده است. " این عیسی نبود که مصلوب شد بلکه شخص دیگری بود که به طرز معجزه آسایی جایگزین او شد. "

بعضی دیگر معتقدند که یهودای اسخریوطی بود که مصلوب شد. البته می دانیم که قرآن طبق سنت خود از اسامی نام نمی برد. اگر قبول کنیم یهودای اسخریوطی بود که مصلوب شد و خدا سیمای او را شبیه عیسی کرد تا مردم را گمراه سازد آیا این نیز به نوبه خود تقلب غیر قابل تحمل نیست؟ اگر چنین بود چرا اسخریوطی فریاد یا اعتراضی نکرد؟ آیا خدا متقلب است که به این اعمال دست بزند؟ چگونه عیسی، پیامبر خدا، حاضر به این امر شد؟ این گونه ادعاها از ذهن هر انسان خدا پرستی بدور است، زیرا که بر طبق این اعتقادات، خدا متقلب است.

در قرآن فقط یک آیه است که صلیب عیسی را مورد انکار قرار داده ، ولی در انجیل ، عهد جدید مراجع بسیاری وجود دارد که تماماً مرگ عیسی را تأیید می کنند. عیسی خودش بعدها به این حقیقت شهادت داده گفت: " من زنده بودم؛ مُردم و اکنون تا به ابد زنده هستم و کلیدهای مرگ و جهان مردگان را در دست دارم." می بینیم که بر طبق نبوتهای گذشتگان ، عیسی تنها منجی ماست. کتاب مقدس اعلام می دارد که:

" در زیر آسمان هیچ نامی جز نام عیسی به مردم عطا نشده است تا بوسیله آن نجات یابیم."

تنوری احمدیه

جنبش احمدیه معتقد است که عیسی واقعاً مصلوب شد و او که ظاهراً مرده بود از محل حمل و در اثر سرمای قبر زنده شده به هندوستان می رود و در آنجا تا سن ۱۲۰ سالگی به بشارت خود ادامه می دهد. عیسی در اورشلیم، یهودیه و سامره به مدت سه سال و نیم بشارت داده و معجزات زیادی به انجام رسانده. کتابهای تاریخی در این مورد اطلاعات زیادی به ما نمی دهند ولی شرح اعمال و زندگی عیسی را در این مدت سه سال و نیم در دسترس ما قرار می دهند. آیا این غیر عادی نیست که در مدت ۶۰ تا ۹۰ سال زندگی در هندوستان حتی یک سند از رسالت عیسی در آن محل یافت نشده. در تحقیقات بعدی ثابت شد که قبر عیسی در هندوستان در واقع قبر شاهزاده ای است به نام "یوز آصف".

نتیجه گیری

اگر قبول کنیم که تنوری احمدیه صحیح است باید بپذیریم که اشعیای نبی دروغگو است. اشعیای نبی ۷۰۰ سال قبل از مسیح می زیسته و نبوت کرده که مسیح می بایست بمیرد. او گفت: "... او را مانند بره به کشتارگاه بردند، ... به نا حق به مرگ محکوم شد، ... هنگامی که خواستند او را با خطاکاران دفن کنند، او در قبر مردی ثروتمند گذاشته شد، ... او خود را فدا کرد."

مراجع

- | | |
|-------------------------|--------------------|
| اشعیاء ۵۲: ۱۳ تا ۵۳: ۱۲ | حزقیال ۱۸: ۲۰ |
| یوحنا ۱۸: ۲۸ و ۱۹: ۲۵ | مکاشفه ۱: ۱۸ |
| متی فصل ۲۷ و ۲۸ | قرآن ۴: ۱۵۵ |
| اعمال رسولان ۱: ۱ – ۱۹ | اعمال رسولان ۴: ۱۲ |
| اول قرننیان ۱۵: ۳ و ۴ | |
| قرآن ۴: ۱۵۷ و ۱۵۸ | |